

تأثیر ۸ هفته تمرینات ترکیبی همراه با مصرف مکمل‌های امگا ۳ و ال کارنتین بر سطح سرمی ویسفاتین در زنان دیابتی نوع ۲

معصومه قربانی^۱، علی حسنی^۱، عادل دنیایی^۱، دکتر مهناز قدیری^۲

۱) گروه فیزیولوژی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه صنعتی شاهرود، ۲) انجمن دیابت شاهرود، نشانی مکاتبه‌ی نویسنده‌ی

مسئول: شاهرود، دانشگاه صنعتی شاهرود، کد پستی ۳۶۱۹۹۵۱۶۱، معصومه قربانی؛

e-mail: m.ghorbani1353@yahoo.com

چکیده

مقدمه: ویسفاتین عامل دیابتوزنوتیک و تنظیم‌کننده سیستم ایمنی است که در پاتوفیزیولوژی مقاومت به انسولین در افراد چاق و مبتلا به دیابت نوع ۲ نقش دارد. هدف از تحقیق حاضر، بررسی تأثیر ۸ هفته تمرینات ترکیبی همراه با مصرف مکمل‌های امگا ۳ و ال کارنتین بر سطح سرمی ویسفاتین در زنان دیابتی نوع ۲ بود. مواد و روش‌ها: این تحقیق نیمه تجربی، شامل پیش‌آزمون و پس‌آزمون روی ۵ گروه تجربی و یک گروه شاهد انجام شد. آزمودنی‌ها زنان دیابتی نوع ۲، با میانگین سنی 52.7 ± 6.1 سال و نمایه‌ی توده‌ی بدنی 29.82 ± 4.35 کیلوگرم/مترمربع بودند که به‌صورت تصادفی به ۶ گروه ۱۰ نفری: ۱- تمرین + دارونما، ۲- تمرین + مکمل امگا ۳، ۳- تمرین + مکمل ال کارنتین، ۴- تمرین + مکمل امگا ۳ + ال کارنتین، ۵- مکمل امگا ۳ + ال کارنتین و ۶- گروه شاهد تقسیم شدند. گروه مکمل امگا ۳، روزانه ۲۰۰۰ میلی‌گرم امگا ۳ و گروه ال کارنتین هم ۵۰۰ میلی‌گرم ال کارنتین مصرف کردند. تمرینات شامل ۳ جلسه در هفته و هر جلسه ۳۰ دقیقه تمرین هوازی با شدت ۶۰-۷۰ درصد حداکثر ضربان قلب و ۴۰-۳۰ دقیقه تمرین مقاومتی دایره‌ای با شدت ۶۰ درصد یک تکرار بیشینه بود. یافته‌ها: آزمون تی همبسته (درون گروهی) نشان داد سطح سرمی ویسفاتین در گروه‌های ۳، ۴ و ۵ ($P \leq 0.01$)، گلوکز ناشتا و هموگلوبین گلیکوزیله در گروه‌های ۱، ۲، ۴ و ۵ ($P \leq 0.01$) و انسولین هم در گروه ۵ کاهش معنی‌داری یافته است ($P \leq 0.02$). در مقایسه‌ی بین گروهی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد ($P > 0.05$). نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این مطالعه به نظر می‌رسد، تمرینات ترکیبی و مصرف هم‌زمان مکمل‌های امگا ۳ و ال کارنتین، محرک مناسبی برای کاهش سطح ویسفاتین و کاهش عوامل خطر در زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ هستند.

واژگان کلیدی: تمرینات ترکیبی، مکمل امگا ۳، مکمل ال کارنتین، ویسفاتین، دیابت نوع ۲

دریافت مقاله: ۹۵/۱۱/۹ - دریافت اصلاحیه: ۹۶/۱/۲۰ - پذیرش مقاله: ۹۶/۲/۱۷

مقدمه

دیابت یکی از بیماری‌های جدی متابولیکی است که باعث اختلال در متابولیسم چربی می‌شود. بافت چربی، علاوه بر کمک کردن به ذخیره‌سازی انرژی در درازمدت، یک اندام درون‌ریز فعال است که تعداد زیادی از مولکول‌های فعال زیستی را ترشح می‌کند که در مجموع آدیپوکین نامیده می‌شوند. آدیپوکین‌ها، تأثیر قابل توجهی بر متابولیسم گلوکز در بافت‌های مختلف دارند.^۱ یکی از این آدیپوکین‌ها،

ویسفاتین است. ویسفاتین که نخستین بار توسط فوکوهارا^۱ و همکارانش شناسایی شد، در افرادی که چاقی شکمی دارند و یا مبتلا به دیابت هستند افزایش می‌یابد.^۲ ویسفاتین عامل دیابتوزنوتیک و تنظیم‌کننده سیستم ایمنی است که در پاتوفیزیولوژی مقاومت به انسولین در افراد چاق و مبتلا به دیابت نوع ۲ نقش دارد.^۳ مطالعات فراوانی به ارتباط مستقیم بین ویسفاتین، دیابت نوع ۲ و ترشح انسولین و افزایش حساسیت نسبت به انسولین اشاره کرده‌اند.^۴ بدین گونه که همبستگی مثبتی بین ویسفاتین و مقاومت به انسولین، مانند

(ژن‌های چربی سوزی) و یا غیرفعال‌سازی ژن‌های لیپوژنیک (ژن‌های ذخیره‌کننده‌ی چربی) کاهش ذخایر چربی در سلول‌های چربی را باعث می‌شوند؛ از این رو به نظر می‌رسد اسیدهای چرب امگا ۳ علاوه بر کاهش لیپوپروتئین‌های با چگالی بسیار کم (VLDL) و تری‌گلیسیریدها، از طریق افزایش بتا اکسیداسیون، با کمک به ساختار غشای سلولی باعث کمک به عملکرد انسولین می‌شوند.^{۱۲} مطالعات گوناگونی از ارتباط بین اختلال عملکرد میتوکندری بافت چربی با پیشرفت چاقی و دیابت نوع ۲ اشاره دارند. در واقع، کاهش تعداد میتوکندری چربی و اختلال عملکرد آن منجر به کاهش بتا اکسیداسیون اسیدهای چرب، تسهیل تجمع چربی و افزایش بیماری‌های چاقی و مقاومت به انسولین خواهد شد.^{۱۳} بنابراین، استراتژی تغذیه‌ای، هم‌چون مصرف امگا ۳، می‌تواند عملکرد میتوکندری بافت چربی را افزایش دهد. به نظر می‌رسد با توجه به این‌که امگا ۳ باعث کاهش انسولین در بدن می‌شود و انسولین به‌عنوان یک هورمون آنابولیز به ساخت چربی و ذخیره آن کمک می‌کند، مصرف امگا ۳ با سوخته شدن بیشتر چربی از طریق مهار لیپاز حساس به هورمون عمل می‌کند و با مصرف بیشتر چربی در بدن وزن کاهش پیدا کرده و به خصوص چربی شکمی کاهش یابد و احتمالاً سطح ویسفاتین هم دچار تغییرات می‌شود.^{۱۴} حسین‌زاده عطار و همکارانش نشان دادند که امگا ۳ روی غلظت سرمی ویسفاتین روی دیابتی‌های نوع ۲ اثر دارد و سبب بهبود اثر انسولین می‌شود.^{۱۵} دومین مکمل، اسید آمینه‌ی ال کارنتین است، که در بدن انسان از اسیدهای آمینه‌ی ضروری لیزین و متیونین در کلیه و کبد ساخته می‌شود. تمرین ورزشی که سبب افزایش ظرفیت عضله‌ی اسکلتی برای اکسیداسیون اسید چرب می‌شود، خود نیازمند افزایش انتقال اسید چرب آزاد به درون میتوکندری است و این ال کارنتین است که به عنوان یک حامل، این انتقال را انجام می‌دهد. در واقع، فعالیت ورزشی و مصرف مکمل کارنتین هر دو به ترتیب با افزایش تجزیه‌ی تری‌گلیسیریدهای خون و افزایش اکسیداسیون آن‌ها منجر به کاهش لیپیدهای خون نیز می‌شوند.^{۱۶} نقش اصلی ال کارنتین در میتوکندری، تسریع فرایند اکسیداسیون اسیدهای چرب برای تولید ATP است. این ماده با افزایش انتشار تسهیل شده‌ی گلوکز به درون سلول و فعال کردن برخی از آنزیم‌های مسیر گلیکولیز نقش مهمی در کاهش قند خون دارد.^{۱۷،۱۸} با توجه به شبه انسولینی بودن ویسفاتین و عملکرد

ارتباط سطوح افزایش یافته‌ی ویسفاتین با چاقی، سندروم متابولیک، دیابت نوع ۲ و بیماری‌های قلبی - عروقی، وجود دارد.^{۱۹} ویژگی‌های بیولوژیک ویسفاتین نشان دهنده‌ی عملکرد شبه انسولینی آن است که سبب تحریک برداشت گلوکز توسط سلول‌های بافت چربی و منوسیت‌ها شده و مانع آزاد شدن گلوکز از کبد می‌شود،^۷ و این عملکرد توسط برخی عوامل، از جمله فعالیت ورزشی، داروها و یا مکمل‌ها، تغییر می‌کند. فعالیت‌های بدنی منظم با کاهش خطر چاقی، دیابت نوع ۲ و بیماری‌های قلبی - عروقی در ارتباط است؛ لذا تغییرات سطوح آدیپوکین‌ها ممکن است کلید مهمی در شناخت اثرات سودمند فعالیت باشد. بازیار و همکارانش نشان دادند که تمرینات ترکیبی (هوازی - مقاومتی) می‌توانند اثرات مثبتی بر سطوح قند خون و انسولین در زنان دیابتی داشته باشند.^۸ هوس^۱ و همکارانش، کاهش معنی‌دار سطح ویسفاتین را در زنان دیابتی نوع ۲ در تمرین هوازی نشان دادند. ثاقب‌جو و همکارانش نشان دادند که ۸ هفته تمرین مقاومتی دایره‌ای با شدت ۶۰-۷۰٪ یک تکرار بیشینه، به‌طور معنی‌داری سطوح ویسفاتین و انسولین را کاهش می‌دهد.^۹ امروزه گرایش به سوی مکمل‌های غذایی و نیروزا مورد توجه پزشکان، ورزشکاران و فیزیولوژیست‌های ورزشی است. بخش زیادی از مکمل‌های غذایی از طریق ارتقای عملکرد و یا پیشگیری از اختلالات دستگاه‌های مختلف بدن، افزایش سلامت افراد را فراهم می‌کنند. یکی از این مکمل‌ها، امگا ۳ است. مکمل امگا ۳، نوعی چربی غیراشباع مرکب است. امگا ۳ از اسیدهای چرب ضروری بدن است، چرا که بدن قادر به تولید آن‌ها نیست. چربی امگا ۳ از تشکیل ترومبوز جلوگیری می‌کند و سطح تری‌گلیسیرید خون را کاهش می‌دهد. لذا ماده بسیار مفیدی در جلوگیری از بروز بیماری‌های عروقی و حملات قلبی به شمار می‌رود.^{۱۰} تأثیر امگا ۳ تنها به سلامت قلب محدود نمی‌شود. اسیدهای چرب امگا ۳ به همراه عامل رونویسی PPAR γ ⁱⁱ تنظیم‌کننده‌ی کلیدی رونویسی از ژن‌های کبدی هستند. به طوری که این تنظیم‌کننده‌ها می‌توانند اثرات گوناگونی بر متابولیسم کربوهیدرات‌ها و چربی‌ها داشته باشند.^{۱۱}

اسیدهای چرب امگا ۳، حفظ سلامت غشای سلول که حاوی تعداد زیادی از گیرنده‌های انسولین است، را تضمین می‌کنند، و این گیرنده‌ها با فعال‌سازی ژن‌های لیپولیتیک

i - Haus

ii - Peroxisome proliferator-activated receptor

گروه ال کارنتین هم روزانه ۵۰۰ میلی‌گرم ال کارنتین ۲ ساعت قبل از تمرین ورزشی مصرف می‌کردند.^{۲۰} همچنین روزانه ۲ کپسول حاوی ۱ گرم نشاسته ذرت به عنوان دارونما به گروه یک داده شد. نمونه‌ی خون شرکت‌کنندگان یک بار در مرحله اول (پیش‌آزمون)، صبح و پس از حداقل ۱۰ ساعت ناشتایی، و بار دوم (پس‌آزمون) ۴۸ ساعت پس از آخرین جلسه تمرینات (۸ هفته) و مصرف مکمل‌ها در حالت ناشتا گرفته شد.

پروتکل تمرینی: تمرین به صورت ۳ جلسه در هفته و هر جلسه ۳۰ دقیقه تمرین هوازی، دویدن روی تردمیل با شدت ۷۰-۶۰ درصد حداکثر ضربان قلب بود.^{۲۱،۲۲} جهت تعیین شدت تمرین، حداکثر ضربان قلب با فرمول سن - ۲۲۰ محاسبه شد.^{۲۲} بعد از ۵ دقیقه استراحت، تمرین مقاومتی با شدتی معادل ۶۰ درصد یک تکرار بیشینه با ۱۰ تکرار در هر حرکت برای ۳ ست متوالی با زمان استراحت ۳۰ ثانیه‌ای بین هر ایستگاه و بین هر ست یا دور ۱۲۰ ثانیه استراحت انجام می‌شد. تمرینات مقاومتی شامل ۱۰ حرکت ایستگاهی برای هر یک از حرکات بود و تمرینات با توجه به یک تکرار بیشینه انجام شد. جهت رعایت اصل اضافه بار و افزایش شدت، هر ۲ هفته یک بار، یک تکرار بیشینه دوباره اندازه‌گیری و ۶۰ درصد آن محاسبه می‌شد. ۵ دقیقه هم برای سرد کردن اختصاص یافت و به صورت دایره‌ای برنامه‌ریزی شد. ایستگاه‌ها شامل پرس بالا سینهⁱⁱⁱ، پرس سرشانه (نظامی)^{iv}، زیر بغل لت^v، پرس پا^{vi}، جلو ران^{vii}، پشت ران خوابیده^{viii}، بالا کشیدن ساق پا^{ix}، جلو بازو و پشت بازو سیم‌کش^x و دراز و نشست^{xi} بود.^{۲۳،۲۴} در جلسه‌ی اول تمرین مقاومتی، جهت آشنایی و یادگیری صحیح حرکات، آزمودنی‌ها هفته اول را با حداقل وزنه و چند تکرار زیر بیشینه، انجام دادند. از هفته دوم به بعد، پس از برآورد یک تکرار بیشینه (IRM) طبق فرمول زیر^{۲۳}

$$\text{وزنه جابجا شده به کیلوگرم} = \frac{\text{یک تکرار بیشینه}}{1.0278} \times (\text{تعداد تکرار تا خستگی}) - 1.0278$$

دو مکمل با تمرینات ترکیبی بر متابولیسم چربی‌ها، احتمال کاهش عوامل خطر در دیابت نوع ۲ بیان می‌شود. بنابراین این پژوهش با هدف بررسی تاثیر مصرف هم‌زمان امگا ۳، ال کارنتین و تمرینات ورزشی ترکیبی با تغییرات سطح ویسفاتین انجام شود.

مواد و روش‌ها

از زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه‌کننده به انجمن دیابت شهر شاهرود، ۵۸ نفر به عنوان آزمودنی با میانگین سنی 52.7 ± 6.1 سال و نمایه‌ی توده‌ی بدنی 29.82 ± 4.35 کیلوگرم/مترمربع به صورت داوطلبانه و تصادفی انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از این که براساس تشخیص پزشک حداقل ۳ سال از تشخیص بیماری دیابت زنان گذشته باشد، در مصرف داروهای کاهنده‌ی قند خون، چربی خون و فشارخون در دو ماه اخیر تغییری رخ نداده باشد و بیماران نباید فشارخون بالاتر از ۱۶۰/۹۵ میلی‌متر جیوه داشته باشند. معیارهای خروج از مطالعه، شامل تزریق انسولین بعد از شروع پروتکل و داشتن عوارض ثانویه‌ی دیابت مانند عوارض چشمی، کلیوی، زخم پای دیابت، بیماری‌های قلبی - عروقی و التهابی بود. قبل از ورود به مطالعه، همه‌ی آزمودنی‌ها توسط پزشک معتمد از انجمن دیابت مورد معاینه و بررسی قرار گرفتند. پزشک طی اجرای طرح گروه را همراهی می‌کرد. پس از توجیه کامل شرکت‌کنندگان، فرم رضایت‌نامه را آنان امضاء کردند و پرسش‌نامه‌ی سلامتی و فعالیت بدنی (PAR-Q) را تکمیل کردند. آزمودنی‌ها براساس قند خون و ترکیب بدنی که در ابتدا اندازه‌گیری شده بود، هم‌تاسازی شدند و به صورت تصادفی ساده در ۶ گروه ۱۰ نفری تقسیم شدند: ۱- تمرین+دارونما، ۲- تمرین+مکمل امگا ۳، ۳- تمرین+مکمل ال کارنتین، ۴- تمرین+مکمل امگا ۳+ ال کارنتین، ۵- مکمل امگا ۳+ ال کارنتین و ۶- گروه شاهد. گروه شاهد، مصرف مکملی در طول دوره تحقیق نداشتند (شیوه معمولی و روزانه) و همانند دیگر گروه‌ها از داروهای کاهنده‌ی قند خون، چربی و فشار خون با دوز یکسان استفاده می‌کردند. گروه امگا ۳ به مدت ۸ هفته و هرروز دو کپسول محتوی امگا ۳ با دوز ۲۰۰۰ میلی‌گرم که هر کپسول حاوی ۱۰۰۰ میلی‌گرم امگا ۳ (EPAⁱ 360 میلی‌گرم) و (DHAⁱⁱ 240 میلی‌گرم)^{۱۹} بود و

i - Eicosapentaenoic Acid
ii - Docosahexaenoic Acid

iii - Bench press
iv - Military press
v - Lat pull-down
vi - Leg press
vii - Leg Extention
viii - Hamstring curls
ix - Calf raises
x - Arm curls, and triceps pushdown
xi - Sit-ups

شرکت ایرانی پارس آزمون (Glucose, Colorimetric, Enzymatic, Parsazmun, Tehran, Iran) با حساسیت ۱ میلی‌گرم بر دسی‌لیتر اندازه‌گیری شد. هموگلوبین گلیکوزیله به روش کروماتوگرافی تعویض یونی و با استفاده از کیت BIOSYSTEMS, KOREA در گلبول‌های قرمز و با دستگاه Nycocard Reader 2 ساخت کشور سوئد مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. سطوح انسولین به روش (Insulin, Inc, USA ELISA, Monobind) و کیت انسانی ساخت شرکت امریکا و با حساسیت: ۰/۷۵ میکروواحد بر میلی مشخص شد. برای محاسبه‌ی شاخص مقاومت به انسولین از روش ارزیابی مدل هموستازی (HOMA) و با در دست داشتن گلوکز و انسولین ناشتا انجام گرفت.^{۲۰}

۴۰۵ / [(دسی‌لیتر / میلی‌گرم) گلوکز ناشتا × (میکروواحد / میلی‌لیتر) انسولین ناشتا] = شاخص مقاومت به انسولین

آزمون بونفرونی به کار گرفته شد. محاسبات آماری توسط نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ انجام شد و سطح معنی‌داری آزمون‌ها $p \leq 0/05$ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در جدول ۱ مشخصات آنتروپومتری آزمودنی‌ها مشاهده می‌شود.

داده شد. لازم به ذکر است که قبل از شروع جلسه‌ی تمرینی، فشارخون استراحتی و ضربان قلب اندازه‌گیری و ثبت می‌شد و در صورت نرمال بودن مقادیر شاخص‌های مذکور، افراد مجاز به شرکت در برنامه ورزشی بودند. با استفاده از دستگاه In body (ساخت کره)، ترکیب بدنی شامل وزن، قد و نمایه‌ی توده‌ی بدنی (BMI) اندازه‌گیری شد. قند خون اولیه برای هم‌تاسازی گروه‌ها با دستگاه تست قند انگشتی (ساخت کره) اندازه‌گیری شد. سطح سرمی ویسفاتین با روش ELISA و با استفاده از کیت انسانی شرکت آلمانی (Human Visfatin, ELISA, ZellBio GmbH, Ulm, Germany) با حساسیت ۰/۲ نانوگرم بر میلی‌لیتر اندازه‌گیری شد. گلوکز ناشتا نیز با استفاده از روش Colorimetric Enzymatic و با استفاده از کیت انسانی

روش آماری: برای محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی از آمار توصیفی و برای طبیعی بودن توزیع متغیرهای موجود در تحقیق از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. برای نشان دادن این که آزمودنی‌ها در مرحله‌ی اولیه تفاوت معنی‌داری نداشتند از ANOVA و آزمون t همبسته برای ارزیابی تفاوت درون‌گروهی (قبل و بعد) و آزمون تحلیل کوواریانس برای مقایسه بین گروهی و به دنبال آن برای تشخیص تفاوت ناشی از کدام گروه،

جدول ۱- داده‌های آنتروپومتری آزمودنی‌ها در ۶ گروه (میانگین ± انحراف معیار)

متغیر	گروه‌ها	قبل	ANOVA	بعد	وابسته T	P	تحلیل کوواریانس
نمایه‌ی توده‌ی بدنی (کیلوگرم / مترمربع)	تمرین + دارونما	۲۸/۴۱ ± ۴/۰۶	F=۱/۷۹۳ P=۰/۱۳۱	۲۸/۴۷ ± ۳/۰۷	-۰/۱۰۳	-۰/۹۲۱	F=۰/۴۷۷ P=۰/۷۹۲
	تمرین + امگا۳	۳۰/۰۴ ± ۴/۴۷		۲۹/۹۲ ± ۴/۸۵	۰/۳۹۰	-۰/۷۰۶	
نسبت دور کمر/دور لگن (WHR)	تمرین + ال کارنتین	۲۹/۳۶ ± ۴/۳۴	F=۱/۸۹۶ P=۰/۱۱۱	۲۸/۹۳ ± ۳/۸۶	-۰/۹۵۰	-۰/۳۶۷	F=۳/۹۷۳ P=۰/۰۰۴*
	تمرین + امگا۳ + ال کارنتین	۳۱/۸۰ ± ۴/۹۱		۳۱/۱۱ ± ۵/۰۷	۱۱/۷۷۶	* / ۰/۰۰۱	
چربی بدن (درصد)	امگا۳ + ال کارنتین	۲۷/۵۹ ± ۲/۳۵	F=۱/۸۹۶ P=۰/۱۱۱	۲۷/۲۳ ± ۲/۳۴	۲/۷۱	* / ۰/۰۰۵	F=۱/۵۰۱ P=۰/۲۰۶
	شاهد	۲۲/۲۵ ± ۴/۶۹		۳۲/۲۸ ± ۴/۸۹	-۰/۱۴۲	-۰/۲۹۱	
شاهد	تمرین + دارونما	۰/۹۵ ± ۰/۰۷	F=۱/۸۹۶ P=۰/۱۱۱	۰/۹۴ ± ۰/۰۶	۲/۰۸۷	-۰/۰۶۷	F=۱/۵۰۱ P=۰/۲۰۶
	تمرین + امگا۳	۰/۹۵ ± ۰/۰۶		۰/۹۵ ± ۰/۰۵	-۰/۰۸۵	-۰/۹۳۴	
شاهد	تمرین + ال کارنتین	۰/۹۹ ± ۰/۰۶	F=۱/۸۹۶ P=۰/۱۱۱	۰/۹۵ ± ۰/۰۷	۲/۷۵۷	* / ۰/۰۲۲	F=۱/۵۰۱ P=۰/۲۰۶
	تمرین + امگا۳ + ال کارنتین	۰/۹۹ ± ۰/۰۸		۰/۹۲ ± ۰/۰۶	۵/۸۶۶	* / ۰/۰۰۱	
شاهد	امگا۳ + ال کارنتین	۰/۹۳ ± ۰/۰۵	F=۱/۸۹۶ P=۰/۱۱۱	۰/۸۸ ± ۰/۰۵	۲/۶۹۷	* / ۰/۰۲۵	F=۱/۵۰۱ P=۰/۲۰۶
	شاهد	۰/۹۸ ± ۰/۰۷۷		۰/۹۸ ± ۰/۰۷۷	۱	-۰/۳۵۱	
شاهد	تمرین + دارونما	۲۵/۳۲ ± ۷/۰۲	F=۱/۶۲۰ P=۰/۱۷۱	۲۲/۶۵ ± ۷/۵۲	۱/۲۶۱	-۰/۲۳۹	F=۱/۵۰۱ P=۰/۲۰۶
	تمرین + امگا۳	۲۴/۹۲ ± ۵/۳۸		۲۴/۰۵ ± ۴/۴۲	۰/۵۵۲	-۰/۵۹۴	
شاهد	تمرین + ال کارنتین	۳۷/۹۷ ± ۷/۷۴	F=۱/۶۲۰ P=۰/۱۷۱	۳۷ ± ۴/۰۹	۰/۶۴۵	-۰/۵۳۵	F=۱/۵۰۱ P=۰/۲۰۶
	تمرین + امگا۳ + ال کارنتین	۳۸/۵۸ ± ۷/۰۲		۳۷/۰۲ ± ۷/۲۰	۶/۵۵۶	* / ۰/۰۰۱	
شاهد	امگا۳ + ال کارنتین	۳۲/۸۱ ± ۴/۸۹	F=۱/۶۲۰ P=۰/۱۷۱	۳۱/۳۱ ± ۶/۴۴	۱/۵۵۲	-۰/۱۵۵	F=۱/۵۰۱ P=۰/۲۰۶
	شاهد	۳۶/۱۷ ± ۵/۶۹		۳۶/۰۶ ± ۵/۷۵	۰/۵۳۷	-۰/۵۶۸	

هموگلوبین گلیکوزیله هم در گروه‌های ۱ و ۲ و ۴ و ۵ بعد از مداخله کاهش معنی‌داری پیدا کرده بود. کاهش معنی‌دار انسولین در گروه ۵ و نیز کاهش معنی‌دار مقاومت به انسولین در گروه‌های ۲ و ۵ بعد از مداخله مشاهده شد. تحلیل کوواریانس (مقایسه بین گروهی) تفاوت معنی‌داری را در هیچ یک از فاکتورها نشان نداد.

در مقایسه‌ی بین گروهی تنها در فاکتور WHR تفاوت معنی‌داری مشاهده شد و آزمون تعقیبی بونفرونی تفاوت را ناشی از گروه‌های ۳ و ۴ نشان داد. در جدول ۲ آزمون t همبسته نشان داد، سطح سرمی ویسفاتین در گروه‌های ۳، ۴ و ۵ بعد از مداخله کاهش معنی‌داری داشته است و سطح سرمی گلوکز ناشتا و

جدول ۲- یافته‌های بیوشیمیایی در ۶ گروه (میانگین±انحراف معیار)

متغیر	گروه‌ها	قبل	ANOVA	بعد	وابسته T	P	تحلیل کوواریانس
ویسفاتین (نانوگرم/میلی‌لیتر)	تمرین+دارونما	۹/۶±۳/۲	F=۰/۱۵۷۸ P=۰/۷۱۶	۸/۹±۲/۴	۱/۰۰۹	۰/۳۳۹	F=۱/۷۶ P=۰/۱۳
	تمرین+۳امگا	۱۲/۳۴±۱/۹		۱۱/۵۱±۴/۶	۰/۳۷۲	۰/۷۱۹	
	تمرین+ال کارنتین	۱۰/۳۹±۲/۹		۸/۳±۲/۵	۲/۳۶	*۰/۰۴۲	
	تمرین+۳امگا+ال کارنتین	۱۴/۲۶±۱/۳		۱۱/۴۲±۲/۶	۳/۲۲	*۰/۰۰۹	
	امگا+ال کارنتین	۹/۷±۴/۶		۷/۳±۲/۵	۳/۲۷	*۰/۰۱۰	
	کنترل	۱۱/۵۷±۷/۱		۱۱/۲۶±۶/۴	۰/۹۸۶	۰/۳۵۷	
گلوکز ناشتا (میلی‌گرم/صد میلی‌لیتر)	تمرین+دارونما	۱۵۵±۳/۸۷	F=۱/۱۵۶ P=۰/۳۴۳	۱۴۴±۳/۵۹	۳/۶۶۳	۰/۰۰۵	F=۱/۴۶ P=۰/۲۱
	تمرین+۳امگا	۱۴۵±۲/۳۱۸		۱۲۵±۲/۴۸	۴/۰۰۹	*۰/۰۰۳	
	تمرین+ال کارنتین	۱۴۷±۲/۹۲		۱۳۵±۴/۳۵	۱/۷۴۶	۰/۱۱۵	
	تمرین+۳امگا+ال کارنتین	۱۳۱±۲/۹۱		۱۱۳±۲/۸۰	۲/۸۲۶	*۰/۰۰۴	
	امگا+ال کارنتین	۱۶۱±۲/۸۹		۱۴۳±۳/۵۲	۲/۲۹۵	*۰/۰۴۷	
	کنترل	۱۳۰±۲/۱۰		۱۳۰±۲/۶۴	-۰/۱۶۳	۰/۸۷۵	
هموگلوبین گلیکوزیله (HbA1c %)	تمرین+دارونما	۸/۲±۱/۴	F=۱/۱۰ P=۰/۳۷۵	۷/۸±۱	۲/۳۱۶	*۰/۰۰۵	F=۲/۳۲ P=۰/۰۶
	تمرین+۳امگا	۹/۷±۲/۹		۷/۸±۱/۸	۲/۵۰۸	*۰/۰۰۴	
	تمرین+ال کارنتین	۸/۲±۱/۹		۷/۴±۱/۱	۱/۶۸۳	۰/۱۵۳	
	تمرین+۳امگا+ال کارنتین	۱۰/۳±۲/۲		۸/۵±۱/۵	۲/۹۸۲	*۰/۰۰۳	
	امگا+ال کارنتین	۹/۲±۱/۶		۸/۲±۱/۸	۶/۲۴۷	*۰/۰۰۱	
	کنترل	۹/۱±۰/۹		۹±۱	۱/۰۸۳	۰/۳۳۸	
انسولین (میکروواحد/میلی‌لیتر)	تمرین+دارونما	۷/۱۲±۴/۱۵	F=۱/۲۷۵ P=۰/۲۸۹	۶/۱۹±۲/۵۴	۰/۷۵۰	۰/۴۷۲	F=۱/۲۹ P=۰/۲۸
	تمرین+۳امگا	۸/۲۲±۴/۹۴		۵/۹۴±۲/۱۵	۲/۱۴۳	۰/۶۱	
	تمرین+ال کارنتین	۶/۱۰±۴		۷/۲۹±۴/۵۵	-۰/۵۲۰	۰/۱۱۶	
	تمرین+۳امگا+ال کارنتین	۸/۱۷±۶/۰۱		۶/۰۶±۴/۳۶	۰/۷۷۴	۰/۴۵۹	
	امگا+ال کارنتین	۱۱/۲۹±۵/۵۶		۶/۷±۳/۸۱	۲/۶۲۴	*۰/۰۲۸	
	کنترل	۷/۱۱±۲/۲۶		۷/۳۱±۲/۵۴	-۰/۸۴۲	۰/۴۲۸	
مقاومت انسولین HOMA-IR	تمرین+دارونما	۲/۹±۲/۱	F=۱/۵۲۹ P=۰/۱۹۷	۲/۲۳±۱/۰۸	۱/۳۰۴	۰/۲۲۵	F=۰/۷۷ P=۰/۵۷
	تمرین+۳امگا	۲±۲/۱۱		۱/۸۵±۰/۸۳	۲/۳۶۶	*۰/۰۰۴	
	تمرین+ال کارنتین	۲/۲۶±۱/۲۳		۲/۲۳±۱/۴۲	۰/۰۵۷	۰/۹۵۶	
	تمرین+۳امگا+ال کارنتین	۲/۶۸±۲/۲۶		۱/۶۱±۱/۰۳	۱/۲۱۶	۰/۳۵۵	
	امگا+ال کارنتین	۴/۲۷±۲/۱۸		۲/۲۱±۱/۰۵	۲/۸۹۷	*۰/۰۱۸	
	کنترل	۲/۱۹±۰/۵۲		۲/۲۴±۰/۵۷	-۰/۵۲۰	۰/۶۱۹	

* نشان‌دهنده‌ی تفاوت معنی‌داری درون گروهی قبل و بعد می‌باشد. P≤۰/۰۵

ویسفاتین آن‌ها کاهش یافت.^{۲۱} در اغلب مطالعات که ال کارنتین مصرف کرده بودند همانند گروه ۲ مطالعه‌ی حاضر، کاهش وزن، BMI و کاهش چربی احشایی دیده شده است،^{۱۶} و در این مورد با مطالعه‌ی حاضر همسو هستند. در گروه‌های ۴ و ۵ هم کاهش چربی و وزن دیده می‌شود. در پژوهشی، مصرف امگا ۳ همراه با ورزش به طور معنی‌داری باعث کاهش فاکتورهای آنتروپومتریک شد.^{۱۴،۱۶} اما به دلیل این که پژوهشی که دومکمل را با هم مصرف کرده باشند یافت نشد، مقایسه‌ی کلی وجود ندارد. به نظر می‌رسد

بحث

سطح سرمی ویسفاتین در گروه‌های ۳، ۴ و ۵ بعد از مداخله کاهش معنی‌داری داشت، اما این کاهش در گروه ۴ بیشتر بود. دلایل متعددی برای کاهش ویسفاتین در مطالعات مختلف بیان شده است. یکی از این دلایل، کاهش وزن و کاهش چربی احشایی است. در پژوهشی، تغییرات سطوح پلاسمایی ویسفاتین به دنبال ۱۲ هفته تمرین ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت و BMI، درصد چربی بدن، و سطوح

مصرف هم‌زمان دو مکمل، میزان اکسیداسیون اسیدهای چرب را بسیار بیشتر از مصرف هر مکمل به تنهایی افزایش داده است؛ در نتیجه کاهش وزن و کاهش چربی احشایی بیشتری حاصل شده است. لذا به این دلیل، ویسفاتین کاهش پیدا کرده است؛ البته مصرف هم‌زمان دو مکمل با تمرینات ورزشی ترکیبی کاهش بیشتر سطح ویسفاتین را نشان می‌دهد. بنابراین، بهبود همه‌ی این متغیرها در این مطالعه نشان می‌دهد که تمرینات ترکیبی همراه با تغییر در ترکیب بدن و کاهش توده‌ی چربی، منجر به کاهش سطوح ویسفاتین در زنان دیابتی نوع ۲ می‌شود، که مطالعه‌ی حاضر در مورد هر مکمل به تنهایی و تمرینات ورزشی با این پژوهش‌ها همسو است.^{۲۱،۲۶،۲۷} در مطالعات دیگری، مصرف امگا ۳ باعث افزایش سطح ویسفاتین در افراد دیابتی شده بود که با مطالعه حاضر ناهمسو است. یک دلیل ناهمسوئی، نبود تمرینات ورزشی در آن مطالعه بود.^{۱۹،۲۸} از آنجا که ویسفاتین، عملکرد شبه انسولینی دارد و باعث بهبود روند انتقال گلوکز به درون سلول‌ها می‌شود، به نظر می‌رسد زمانی که قند خون بالا باشد، می‌توان انتظار افزایش سطوح ویسفاتین را داشت. از طرفی در تحقیق حاضر پس از ۸ هفته فعالیت و مکمل‌دهی، سطح گلوکز ناشتا در گروه‌های ۱،۲،۴،۵ کاهش معنی‌داری داشت و می‌توان انتظار کاهش ویسفاتین را در دو گروه ۴ و ۵ داشت، چرا که به دلیل کاهش گلوکز، نیاز بدن به افزایش سطح هورمون‌های شبه انسولینی، از جمله ویسفاتین کاهش پیدا می‌کند. هموگلوبین گلیکوزیله هم که معیاری برای سنجش کیفیت کنترل سطح گلوکز پلازما در دیابت است، همانند ویسفاتین، در دو گروه ۴ و ۵ کاهش معنی‌داری داشت. ترونر و همکارانش به رابطه‌ی بین ویسفاتین پلازما و هموگلوبین گلیکوزیله اشاره کردند.^{۲۹} به نظر می‌رسد افزایش ویسفاتین پلازما در بیماران مبتلا به دیابت به عنوان مکانیزم جبرانی برای کنترل متابولیسم گلوکز در پیشگیری از مقاومت به انسولین عمل می‌کند؛^{۲۹} لذا می‌توان گفت ویسفاتین با عمل اندوکرینی و شبه انسولینی از طریق فسفوزیله کردن گیرنده‌ی انسولین و افزایش بیان ژن پروتئین ناقل گلوکز (Glut-4) در بهبود حساسیت انسولینی موثر است و ویسفاتین هم بر میزان ترشح انسولین اثر گذاشته و گلوکز و HB_{A1C} را تنظیم می‌کند.^{۲۰} مصرف هم‌زمان دو مکمل با یا بدون تمرین ترکیبی علت کاهش HB_{A1C} بیان می‌شود. یافته‌های ما نقش تمرینات ترکیبی و مصرف امگا ۳ و ال کارنتین را در کنترل سطح HB_{A1C} موافق

با نتایج برخی مطالعات و متناقض با مطالعات فوکیانو^۱ و همکارانش می‌داند.^{۲۱،۲۲} با توجه به اینکه در تحقیق حاضر کاهش سطح انسولین و مقاومت به انسولین در گروه ۵ معنی‌دار بود که در همین گروه هم با کاهش معنی‌دار ویسفاتین مواجه بودیم؛ لذا شاید یکی دیگر از دلایل کاهش ویسفاتین، کاهش انسولین و افزایش حساسیت به انسولین در بافت‌ها باشد. پس مصرف امگا ۳ و ال کارنتین با هم از فاکتورهای تاثیرگذار بر انسولین و مهار ره‌ایش گلوکز از کبد شدند، در نتیجه، همانند انقباض عضلانی باعث بهبود عملکرد انسولین هستند. با توجه به کاهش سطح قند خون و انسولین در گروه ۵، بدیهی است که میزان مقاومت به انسولین هم باید در این گروه کاهش یابد، البته مقاومت به انسولین در گروه ۲ نیز کاهش معنی‌داری داشت چون در گروه ۲ هم قند خون و هم HB_{A1C} کاهش داشتند، می‌تواند دلیلی بر کاهش مقاومت به انسولین هم باشد. از آنجا که تمرین ورزشی مقاومت به انسولین را تعدیل می‌کند، در نتیجه ضرورت افزایش سطح ویسفاتین با توجه به اثر کنترلی فعالیت ورزشی روی مقاومت انسولینی کم‌رنگ‌تر شده و لذا سطح ویسفاتین کاهش می‌یابد. به طور کلی می‌توان گفت، پاسخ آزمودنی‌ها در گروه‌های ۴ و ۵ در کاهش گلوکز ناشتا و HB_{A1C} و انسولین در مقایسه با دیگر گروه‌ها بهتر بود. در برخی پژوهش‌ها نیز مصرف امگا ۳ و یا انواع تمرینات ورزشی باعث کاهش معنی‌دار گلوکز ناشتا، انسولین و مقاومت به انسولین شدند.^{۲۱،۲۲،۲۳،۲۴} ال کارنتین هم که با افزایش انتشار تسهیل شده گلوکز به درون سلول و فعال کردن برخی آنزیم‌های مسیر گلیکولیز نقش مهمی در کاهش قند خون دارد.^{۱۸،۲۵} لذا به نظر می‌رسد تمرینات همراه با مصرف دو مکمل امگا ۳ و ال کارنتین با اثرات سودمند خود منجر به افزایش بهتری در حساسیت انسولین بافت‌های فعال و نیز کاهش قند خون و به دنبال تغییر همه‌ی این عوامل باعث کاهش سطح ویسفاتین شده است. این پژوهش نشان داد که یک دوره فعالیت ورزشی ترکیبی همراه با مصرف هم‌زمان دو مکمل امگا ۳ و ال کارنتین باعث کاهش معنی‌دار سطح ویسفاتین و کاهش گلوکز ناشتا و هموگلوبین $A1C$ و مقاومت به انسولین در افراد دیابتی نوع ۲ می‌شود، اما تفاوت در بین گروه‌ها از نظر آماری معنی‌دار نبود. شاید اگر محدودیت‌های مطالعه هم‌چون کنترل دقیق فعالیت‌های خارج

شود. پیشنهاد می‌شود برای دستیابی به یافته‌های قطعی‌تر در این رابطه، مطالعات دیگری با افزایش دوز آل کارنتین و یا مدت زمان تمرین برای بهبود پارامترهای بیوشیمیایی و پراکسیداسیون لیپیدی بر روی بیماران دیابتی نوع ۲ انجام شود، یا این مطالعه بر روی بیماران دیابتی نوع ۲ وابسته به انسولین هم مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

سپاسگزاری: از تمامی آزمودنی‌ها و کلیه افرادی که امکان اجرای مطلوب تحقیق حاضر را مهیا نمودند، هم‌چنین از پزشک محترم انجمن دیابت هم صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

References

- Einollahi N, Alirezaie A. A review of adipose tissue hormones and function in the body. *Journal of Laboratory and Diagnostic Autumn* 2016; 33: 23-34. [Farsi]
- Smitka K, Marešová D. Adipose Tissue as an Endocrine Organ: An Update on Pro-inflammatory and Anti-inflammatory Microenvironment. *Prague Med Rep* 2015; 116: 87-111.
- Seifi L, Daryanoosh F, Samadi M. The effect of 12 weeks aerobic exercise training on visfatin, chemerin serum changes in 45-60 years old obese women with diabetes type 2. *J ShahidSadoughi Univ Med Sci* 2016; 24: 55-64. [Farsi]
- Darabi H, Behzadi Z, Zahedi T, Pourbehi M, Akbarzadeh S, Ostovar A, et al. The Correlation of Adiponectin, and Visfatin Serum Levels with Ischemic Heart Disease in Postmenopausal women: A population-Based Study. *Iran South Med J* 2017; 19: 1011-21 [Farsi]
- Booth A, Magnuson A, Fouts J, Foster M. Adipose tissue, obesity and adipokines: role in cancer promotion. *Horm Mol Biol Clin Invest* 2015; 21: 57-74.
- Pitoulis MG, Skoura L, Pitoulis AG, Chatzidimitriou D, Margariti A, Arsenakis M, et al. The role of Visfatin in atherosclerotic peripheral arterial obstructive disease. *Cytokine* 2017; 91: 140-4.
- Sonoli SS, Shivprasad S, Prasad CV, Patil AB, Desai PB, Somannavar MS. Visfatin--a review. *Eur Rev Med Pharmacol Sci* 2011; 15: 9-14.
- Bazyar F, Banitalebi E, Amirhosseini SE. The Comparison of Two Methods of Exercise (intense interval training and concurrent resistance- endurance training) on Fasting Sugar, Insulin and Insulin Resistance in Women with Mellitus Diabetes. *ArmaghaneDanesh* 2016; 21: 123-34. [Farsi]
- Saghebjo M, Dastigerdi S, Afzalpour ME, Hedayati M. Effects of aerobic and resistance training on plasma visfatin levels in overweight women. *Koomesh* 2012; 13: 225-32. [Farsi]
- Svensson M, Schmit EB, Jorgensen KA, Christensen JH. The effect of n-3 fatty acids on lipids and lipoproteins in patients treated with chronic haemodialysis: a randomized placebo-controlled intervention study. *Nephrol Dial Transplant* 2008; 23: 2918-24.
- Shapiro H, Tehilla M, Attal-Singer J, Bruck R, Luzzatti R, Singer P. The therapeutic potential of long-chain omega-3 fatty acids in nonalcoholic fatty liver disease. *Clin Nutr* 2011; 30: 6-19.
- Piroozan F, Daryanoosh F, Jafari H, Sherafati Moghadam M. The Effect of 12-Week Exercise with Omega-3 Supplement Consumption on Serum Level Changes of Adiponectin, Leptin, and Insulin in Girls. *Scientific Journal of Hamadan University of Medical Sciences Summer* 2015; 22: 129-36. [Farsi]
- Fernández-Galilea M, Pérez-Matute P, Prieto-Hontoria PL, Houssier M, Burrell MA, Langin D, et al. α -Lipoic acid treatment increases mitochondrial biogenesis and promotes beige adipose features in subcutaneous adipocytes from overweight/obese subjects. *Biochim Biophys Acta* 2015; 1851: 273-81.
- Pamela T, Carolanne NM. Omega-3 polyunsaturated fatty acid regulation of gene expression. *Clinical and Experimental Pharmacology and Physiology* 2006; 33: 842-6.
- Lidiana de Camargo Talon, Erick Prado de Oliveira Fernando Moreto, Kátia Cristina Portero-McLellan Roberto Carlos Burini. Omega-3 fatty acids supplementation decreases metabolic syndrome prevalence after lifestyle modification program. *Journal of functional foods* 2015; 19: 922-8.
- Hakimi M, Sheikholeslami D, Ali-Mohammadi M. Effect of Concurrent Training with ingested of l carnitine supplementation on hormonal changes, lipid profile and body composition in obesemen. *J Urmia Univ Med Sci* 2015; 26: 185-93. [Farsi]
- Panchal SK, Poudyal H, Ward LC, Waanders J, Brown L. Modulation of tissue fatty acids by L-carnitine attenuates metabolic syndrome in diet-induced obese rats. *Food Funct* 2015; 6: 2496-506.
- Hajinezhad MR, HajianSh, Saghayei S, Samzadeh-Kermani AR, Nabavi R. Comparison the Protective Effects of L-Carnitine and Acetyl LCarnitine on Blood Glucose and Lipid Peroxidation Level in Diabetic Rats. *Quarterly of the Horizon of Medical Sciences Summer* 2016; 22: 229-35. [Farsi]
- Hoseinzadeh Attar MJ, Hajianfar H, Bahonar A. The effect of n-fatty acid (omega 3) on serum visfatin concentration in patients with type 2 diabetes. *Journal of Health System* 2014; 1450-9. [Farsi]
- Ramezanpour MR, Matbo M, Hejazi M. The effect of 4 weeks of aerobic exercise and supplementation with L-carnitine on lipid profile and blood sugar in diabetic men. *Medical Faculty of Medical Sciences Mashhad* September 2014; 58: 316-21. [Farsi]
- Hosseini M, Banitalebi E, Amirhosseini SE. Effect of 12 Weeks of Intensive Interval and Combined Training on Apolipoprotein A and B, Visfatin and Insulin

- Resistance in Overweight Middle-Aged Women with Type 2 Diabetes. Quarterly of the Horizon of Medical Sciences Summer 2016; 22: 237- 45[Farsi]
22. Robergs RA, Landwehr R. The surprising history of the 'HR max = 220 – age' equation. *J Exerc Physiol* online 2002; 5: 1-16.
 23. Shabanpouromali J, Saghebjo M, Fathi R, Garari R. Effects of 8 weeks of circuit resistance training with high intensity on plasma lipids and insulin resistance index in male patients suffering type 2 diabetes. *Journal of Applied Sport Physiology* 2013; 10: 135-42. [Farsi]
 24. Pereira Jorge M, de Oliveira VN, Resende NM, Ferreira Paraiso L, Calixto A, Lemos Debs Diniz A, et al. The effects of aerobic, resistance, and combined exercise on metabolic control, inflammatory markers, adipocytokines, and muscle insulin signaling in patients with type 2 diabetes mellitus. *Metabolism* 2011; 60: 1244-52.
 25. Cummings DM, Henes S, Kolasa KM, Olsson J, Collier D. Insulin resistance status: Predicting weight response in overweight children. *Arch Pediatr Adolesc Med* 2008; 162: 764-8.
 26. Atarzadeh H, Mir A, Hejazi K. Effect of 8 weeks of training on some markers of insulin resistance in middle-aged men. *Medical Journal of Mashhad University of Medical Sciences* 2015; 58: 129-37. [Farsi]
 27. Brema I, Hatunic M, Finucane F, Burns N, Nolan JJ, Haider D, et al. Plasma visfatin is reduced after aerobic exercise in early onset type 2 diabetes mellitus. *Diabetes Obes Metab* 2008; 10: 600-2.
 28. Frydelund-Larsen L, Akerstrom T, Nielsen S, Keller P, Keller C, Pedersen BK. Visfatin mRNA expression in human subcutaneous adipose tissue is regulated by exercise. *American Journal of Physiology-Endocrinology and Metabolism* 2007; 292: E24-E31.
 29. Toruner F, Altinova A, Bukan N, Arslan E, Akbay E, Ersoy R, et al. Plasma visfatin concentrations in subjects with type 1 diabetes mellitus. *Horm Res* 2009; 72: 33-7.
 30. Telejko B, Kuzmicki M, Zonenberg A, Szamatowicz J, Wawrusiewicz-Kurylonek N, Nikolajuk A, et al. Visfatin in gestational diabetes: serum level and mRNA expression in fat and placental tissue. *Diabetes Res Clin Pract* 2009; 84: 68-75.
 31. Wolfram S, Raederstorff D, Preller M, Wang Y, Teixeira SR, Riegger C, et al. Epigallocatechingallate supplementation alleviate diabetes in rodents. *J Nutr Oct* 2006; 136: 2512-18.
 32. Fukino Y, Shimbo M, Aoki N, Okubo T, Iso H. Randomized controlled trial for an effect of green tea consumption on insulin resistance and inflammation markers. *J Nutr Sci Vitaminol (Tokyo)* 2005; 51: 335-42.
 33. Hasanvand B, Karami K, Khodadadi A, Valipour M. Impact determination of strength and resistance training on Glycoside hemoglobin and blood sugar on patients with type II diabetes. *Yafte* 2011; 13: 75-81. [Farsi]
 34. Ghalavand A, Shakerian S, Rezaie R, Hojat SH, Sarshin A. The effects of resistance training on some cardiovascular risk factors in type 2 diabetic men. *Alborz University of Medical Sciences Journal Winter* 2015; 4: 67-59. [Farsi]
 35. Salmanoglu D, Gurpinar T, Vural K, Ekerbicer N, Dariverenli E, Var A. Melatonin and L-carnitinimproves endothelial dysfunction and oxidative stress in Type 2 diabetic rats. *Redox Biology* 2016; 8: 199–204.

Original Article

The Effect of 8-weeks Compound Exercises Training with omega-3 and l-carnitine Supplementation Intake on Serum Levels of Visfatin in Type 2 Diabetic Women

Ghorbani M¹, Hassani A¹, Donyai A¹, Qadiri M²

¹Group Exercise Physiology, Faculty of Physical Education, Shahrood University of Technology, ²Diabetes Association of Shahrood, Shahrood, I.R. Iran

e-mail: m.ghorbani1353@yahoo.com

Received: 28/01/2017 Accepted: 07/05/2017

Abstract

Introduction: The aim of this study was to investigate the effect of 8 weeks of compound exercises with simultaneous omega-3 and l-carnitine supplementation on serum levels of Visfatin in type II Diabetic Women. **Materials and Methods:** This quasi-experimental study included a pre-test and post-test with 5 experimental groups and one control group. Participants of the study were type II diabetic women, average age 52.7 ± 1.6 years and body mass index 29.82 ± 4.35 kg/m², who were randomly divided into 6 groups of 10 individuals each: 1. Exercise+placebo 2. Exercise+omega-3, 3. Exercise+l carnitine, 4. Exercise+ omega 3+ L- carnitine, 5. L-carnitine+omega-3 and 6. The control group. Omega-3 supplementation groups daily consumed 2000 mg of omega-3 and L-carnitine group 500 mg L-carnitine either. Training included 3 sessions per week, each session consisted of 30 minutes of aerobic exercise with 60-70% of maximum heart rate and 30-40 minute of circular resistance training with 60% of repetition maximum (1RM). **Results:** T-test showed that visfatin levels in groups 3, 4 and 5 ($p \leq 0.01$), fasting glucose and glycosylated hemoglobin in groups 2 and 1, and 4 and 5 ($p \leq 0.001$) and insulin in group 5 was significantly reduced ($p \leq 0.02$). Comparison showed no significant differences between the groups $p > 0.05$. **Conclusion:** The results of this study, show that compound exercises, along with and simultaneous supplementation of Omega-3 and with l-carnitine, are appropriate stimuli to curtail visfatin levels and reduce risk factors in type 2 diabetic women.

Keywords: Compound exercises, Omega-3 supplementation, L-carnitine supplementation, Visfatin, Type 2 diabetes